پنجتنی نوراسن

حدیث شریف کسای بیانی

بروایت حضرت فاطمہ زہرا سلام اللہ علیہا



بسم الله الرحمن الرحیم

پژوهشی نو پیرامون حدیث کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا (س)

نویسنده:

حیدر تربتی کربلایی

ناشر چاپی:

حبیب

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پژوهشی نو پیرامون حدیث کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا (س)

مشخصات کتاب

سرشناسه : تربتی کربلایی، حیدر، ۱۳۳۸ -، توشیحگر

عنوان قراردادی : حدیث کسا .شرح

عنوان و نام پدیدآور : پژوهشی نو پیرامون حدیث کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا (س)/ مولف حیدر تربتی کربلایی.

مشخصات نشر : قم: حبیب، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.؛ ۱۲ × ۱۷ س م.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۱۹-۹۴-۹

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : متن حدیث به عربی آورده شده است.

یادداشت : چاپ قبلی: بنی هاشم، ۱۳۸۵.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : احادیث خاص (کساء) -- نقد و تفسیر

موضوع : احادیث خاص (کساء) -- مأخذ

رده بندی کنگره : BP۱۴۵ /ک۲۲ت۵۰۴۲۲ ۴ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۲۳۴۸۲

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

اشاره

ص:۴

نام پنج تن

ص:۵

حديث لولاك

ص:۶

«کشف اللئالی» شیخ جلیل صالح بن عبدالوهّاب بن العرندسX متوفای به سال ۸۴۰ هجری قمری بنا به نقل کتاب «جنّه العاصمه» صفحه۱۴۸ و «مستدرک سفینه البحار»: کلمه (خلق) و (فطم) از «مجمع النورین و ملتقی البحرین فیما وقع من الجور علی والده السبطین» نوشته: ملا ابو الحسن مرندیX متوفای به سال ۱۳۴۹ هجری قمری:۱۴.

پیش گفتار

ص:۷

بسم الله الرّحمان الرّحیم

الحمـدلله ربّ العالمین، الّذی جعل محمّداً و آله صـلوات الله علیهم أجمعین مظاهر جماله و جلاله. الّذین أذهب الله عنهم الدّناسات و طهّرهم تطهیراً (مطلقاً، مادّیّاً و معنویّاً)، و الّذین هم الصّراط المستقیم و الطّریق الوحید الی معرفه الله و طاعته، و لولا معرفتهم فالضّلاله لامحاله، فصلّی الله علیهم صـلاهً لا نهایه لها، و لعنهالله علی أعـدائهم و مخالفیهم و ظالمیهم و غاصبی حقوقهم، و مـدّعی شئونهم و مراتبهم و الرّاضین بذلک، لعناً دائماً أبدیّاً الی أبدالآبدین آمین.

ص:۸

از گنجینه های ارزنده ثانی ثقلین که از محتوای غنی و بابرکت اسرار ولایت کلّیه تکوینی برخوردار است؛ حدیث شریف کسا به روایت عصمت کبری، فاطمه زهرا(س) است. این حدیث شریف و نورانی، اگرچه کوتاه است، امّا سرشار از مطالب ارزنده ای درباره ولایت کلّیه تکوینی و همچنین تفسیر آیات قرآنی و ولایی است که البته نیازمند شرحی جامع و تفسیری ولایی می باشد.

هرچند برخی ناآگاهان در صحیح بودن این حدیث شریف تردید ایجاد می کنند امّا بحمدالله در میان شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، از شهرت و رونق خوبی برخوردار بوده و برای برآورده شدن حاجت ها و شفای بیماران خوانده می شود.

در این نوشته به حول و قوّه الهی و کرم حضرت ولیّه الله العظمی و آیته، صاحبه الولایه الکلّیه الالهیّه وحجّه الله علی

ص:۹

الحجج، سیّده نساء العالمین فاطمه الزّهراء صلوات الله و سلامه علیها و علی اهل بیتها، درصدد پاسخ به آن گفتارهای بی اساس برآمده ایم و در ادامه، متن حدیث را همراه با اختلاف نسخه ها و منابع می آوریم.

امیدواریم به درگاه آن حضرت قبول افتد و از عنایت ایشان بهره مند شویم.

ص:۱۰

حدیث إنّ فاطمه بقیّه النّبوّه

مقدّمه اوّل: شبهه ها درباره حدیث کساء

اشاره

ص:۱۱

گفته شده است: این حدیث به روایت حضرت زهرا(س) و با این مضمون در هیچ کدام از کتاب های معتبر حدیث خاصّه (شیعیان اهل بیت(ع)) و یا عامّه نیامده است. و «المنتخب» نخستین کتابی است که حدیث را نقل کرده و سندی برای آن ذکر نکرده است و تنها سند ذکر شده برای آن، حاشیه کتاب «العوالم» است و در سند حاشیه «العوالم» از محدّثانی چون سیّد هاشم بحرانی و... تا کلینی رحمهم الله نام برده شده در حالی که در هیچ کدام از کتاب های حدیثی آنان، حدیث کسا بدین صورت نیامده است.

در پاسخ باید گفت: هنگام شهادت رسول خدا(ص) و پس از آن، اختناق شدیدی بر جامعه اسلامی حاکم گشت و به شدّت از انتشار حدیث و خبرهای صحیح به این بهانه که «با نشر احادیث رسول خدا(ص)، قرآن کنار گذاشته می شود» و «قرآن

ص:۱۲

ما را بس است» جلوگیری شد و هرکس تخلّف می کرد، مورد تعقیب و مجازات قرار می گرفت. لعنت خداوند متعال بر کسانی که از گردآوری احادیث رسول خدا(ص) و ثبت صحیح حوادث تاریخی صدر اسلام، جلوگیری کردند و ما را از بسیاری اطّلاعات تاریخی، حدیثی، فقهی، تفسیری و... از منبع وحی، محروم ساختند.

و از میان آن رویدادها، گردآمدن پنج تن آل عبا در خاندان وحی و خانه حضرت فاطمه زهرا(س) است.

از طرفی، بسیاری از کتاب های معتبر، طیّ قرن های متمادی، دستخوش حوادث ناگواری چون سوختن، غارت، فرسودگی و... شده اند.

و گاه در کتاب خانه های دولتی یا شخصی و یا موزه های گوشه و کنار جهان، از پیدا شدن برخی از این کتاب ها خبر می رسد و چنان چه شرایط فراهم باشد، چاپ شده و در

ص:۱۳

اختیار پژوهشگران قرار می گیرد. بنابراین عدم الوجدان لایدلّ علی عدم الوجود.

علاوه بر این، نخستین منبع این حدیث شریف، که از آن آگاهی داریم و از اعتبار والایی برخوردار است، کتاب «الغرر و الدرر» محدّث جلیل دیلمی قدّس سرّه است که در هفت قرن پیش نگاشته شده و نسخه ای از آن در کتاب خانه دانشگاه تهران موجود است. علمایی در عصر ما، این کتاب را دیده اند و ما را از محتوای آن آگاه کرده اند. البته کتاب های معتبر دیگری نیز حدیث کسا را نقل کرده اند که ان شاءالله در این زمینه اطّلاعات ارزنده ای عرضه می شود.

منابع حدیث کساء

ص:۱۴

۱- غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب الأخیار: نوشته شیخ حسن بن علی بن محمّد معروف به واعظ دیلمی قدّس سرّه متوفای قرن هشتم هجری. در حال حاضر نسخه ای خطّی از این کتاب در کتاب خانه دانشگاه تهران در ضمن مجموعه اهدائی آقای مشکات به شماره: ۱۴۸۸ می باشد.

کتاب شناس بزرگ شیعه، علامه آقا بزرگ تهرانی قدّس سرّه می نویسد: «کتاب ((عجاله الرّاکب و قناعه الطّالب فی المناقب))، فارسی و تالیف مولی محمّد حسین بن محمّد مهدی کرهرودی سلطان آبادی قدّس سرّه متوفا در شهر کاظمین در سال۱۳۱۴ قمری می باشد. او این کتاب را به فرمان سیّدعلی بجستانی نوشت... این کتاب به خطّ وی در کتاب خانه ((طهرانی)) در شهر سامرا موجود است. اوّل آن چنین است:

ص:۱۵

[الحمدلله الذی أفاض علینا الوجود لمعرفته و طاعته...] و در آن کتاب ذکر نموده است که حدیث کسا را همراه با سند و همراه با اختلاف در متن آن، در کتاب ((غرر الأخبار)) دیلمی دیده است،... ».(۱)

وی می نویسد: « ((غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب الأخیار))، تألیف شیخ ابومحمّد حسن بن ابی الحسن محمّد دیلمی(ره)، از اهل آخر سده هفتم و پس از آن تا میانه هشتم قمری بوده است...، علامه مجلسی(ره) از وی در آغاز کتاب بحارالأنوار نقل می کند و همچنین از کتاب الغرر وی مولی محمّد حسین کرهرودی(ره) معاصر و متوفا در شهر کاظمین در سال۱۳۱۴ قمری در تألیف های خود بسیار نقل می کند، از جمله آنها حدیث کسا می باشد به ترتیبی که در منتخب طریحی(ره) است با اختلافی بسیار کم و به سندهایی

۱- الذّریعه:۱۵/۲۲۲.

ص:۱۶

چنـد. و می گویم: نزد سیّد آقا تستری(ره) نسـخه ای ناتمام از کتاب ((الغرر)) را دیـدم و در چنـد جای آن از خود نام می برد...، و نسبت به حدیث کسا، سند در آن ذکر نشده بود و بعضی از بخش های آن چنین بود: [... حتّی أنّهم ذکروا لمّا دخلوا تحت الکساء قال اللّه تبارک و تعالی للملائکه: یا ملائکتی و سکّان سماواتی ما خلقت سماءً مبنیّهً...] و حدیث چنان است که طریحی نقل کرده است تـا اینجـا: [ثمّ قـال علیّ (ع) أجزنی یـا رسول الله(ص)] و در آن بخش هـای گفتار امام علی(ع) و پاسخ های رسول خـدا(ص) چنان که طریحی آورده است نمی باشد...».(۱)

آیهالله فقیـد مرعشـی نجفی قـدّس سرّه می فرماینـد: «از جمله کسـانی که این متن حـدیث کسا را نقل کرده است، واعظ بزرگوار، دیلمی صاحب کتاب ارشادالقلوب است که در کتاب

۱- الذّریعه:۱۶/۳۶-۳۷.

ص:۱۷

الغرر و الدّرر تقریباً نیمی از این حدیث را آورده است».(۱)

محی الدّین موسوی غریفی در کتاب «آیه التّطهیر» می نویسد: «قسمتی از کتاب الغرر دیلمی(ره) را در کتابخانه شخصی شیخ شیر محمّد همدانی در نجف اشرف دیدم».(۲)

۲- المنتخب الکبیر فی المراثی و الخطب: آقا بزرگ تهرانی قدس سرّه می نویسد: «کتاب المنتخب...، از آنِ شیخ فخرالدّین بن محمّد علی بن احمد بن طریحی نجفی(ره) است. وی متوفای سال ۱۰۵۸ قمری می باشد... و در حاشیه کتاب، حدیث کسا به گونه مختصر از کتاب «نهج المحجّه» که تألیف شیخ علی نقی بن شیخ احمد بن زین الدّین احسایی است، آمده است و نسخه دیگری از المنتخب می باشد که بین آن و کتاب المنتخب که به چاپ رسیده است، در برخی

۱- شرح احقاق الحق:۲/۵۵۷.

۲- صفحه ۸۸.

ص:۱۸

لفظ ها اختلاف می باشد و در هر مجلسی سه باب است و از آن ده مجلس موجود می باشد و آن به خطّ محمّد مهدی بن محمد قاسم استرآبادی در سال۱۰۹۶ قمری می باشد... ».(۱)

۳- (حاشیه) عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال حیاه سیّده النساء(س): جلد یازدهم چاپ دوم و سوم: آیه الله سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی قدّس سرّه می نویسند: «...سخن را درباره حدیث کسا با ایراد نسخه ای از حدیث کسا که رایج است در مجالس مؤمنان از شیعیان خاندان پاک رسول خدا(ص) که برای درخواست شفا و بهبودی نزد بیماران و برای درخواست حاجت ها خوانده می شود، به پایان می رسانیم، و من آن را نقل می کنم از رساله عالم جلیل حجّت زاهد حاج شیخ محمّد تقی فرزند حاج شیخ محمّد باقر یزدی بافقی، ساکن در قم که مظلومانه و در اسارت از دنیا

۱- الذّریعه: ۲۲/۴۲۰.

ص:۱۹

رفت و خداوند حقّ او را از کسانی که وی را ستم نمودند و از وطنش دور نمودند بگیرد، سپس به دیگر نسخه ها اشاره می کنیم به یاری و کرم خداوند تعالی... (بخشی از نامه آیهالله بافقی به آیهالله مرعشی قدّس سرّهما) ... عوالم که از کتاب های معتبر شیعه و صاحب آن در کمال جلالت و اعتبار است و تقریبا زیاده از هفتاد جلد است و جلد یازدهم آن در احوالات حضرت سیّده النّساء فاطمه الزّهراء صلوات الله علیها وسلامه علیها و علی ابیها و بعلها و بینها است و حقیر عبادالله محمّد تقی بن محمّد باقر بافقی یزدی قمی نجفی، این حدیث شریف را از آن کتاب مبارک نقل نمودم. انشاءالله تمام شیعیان سعی نموده این حدیث و آن کتاب و سایر کتاب ها را طبع خواهند فرمود و حضرت احدیّت جلّت عظمته همه را موفّق و مؤیّد فرماید. توضیح آنکه هفتاد جلد آن در یزد در

کتاب خانه مرحوم حجّت الاسلام آقای آقا میرزا سلیمان قدّس

ص:۲۰

سرّه موجود می باشد. تتمّه آن ظاهراً در بحرین در خانواده مرحوم مؤلّف می باشد. التماس دعا از منتظرین حجّه بن الحسن صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الطّاهرین دارم.

بسم الله الرّحمن الرّحیم قال الشّیخ عبدالله البحرانی صاحب العوالم: رأیت بخطّ الشّیخ الجلیل السّیّد هاشم البحرانی (سند و حدیث را همان گونه که از عوالم نقل شده است، آورده اند تا آنجا که می فرماید:) [و الآخره بربّ الکعبه]. تمام شد آنچه را که به خطّ مرحوم عالم زاهد بافقی یافتم.

سپس از فاضل جلیل شیخ محمّد صدوقی یزدی خواستم تا اینکه از نسخه کتاب عوالم، سند حدیث و متن آن را بنویسد و آرزوی مرا برآورد. پس آن را با نسخه مرحوم آقای بافقی مقابله نمودم و هر دو را مطابق با هم یافتم، حرف به حرف. و میان آن دو اختلافی نیافتم به جز آن که آقای

صدوقی ذکر نمود که حدیث کسا و متن آن را در حاشیه و

ص:۲۱

کنار کتاب عوالم یافته بود. و از کسانی که آن (حدیث شریف کسا به روایت حضرت صدّیقه طاهره فاطمه زهرا(س)) را نقل نموده است، علامه جلیل ثقه ثبت شیخ ما فخرالدّین محمّد علی طریحی اسدی نجفی، صاحب مجمع البحرین در کتاب المنتخب الکبیر است. میان او و آنچه از کتاب عوالم شده به جز زیاده سلام ها و نیز در جمله فرمایش رسول خدا(ص) [اللّهمّ هؤلاء أهل بیتی و حامّتی] دیگرتفاوتی نیست... و عالم جلیل و حجّت، مسئول کتاب خانه و موزه روضه عبدالعظیم حسنی(ع) در شهر ری آقای حاج شیخ محمّد جواد رازی کنی در کتاب خود (نورالآفاق صفحه۴ چاپ تهران) متنی را که آوردیم به واسطه مرحوم بافقی، عیناً حرف به حرف، آورده است و چنین می گویند: و از شیخ مورد وثوق خود حاج شیخ محمّدحسین سیستانی درباره سند این حدیث شریف شنیدم که او از سیّد حسن بن سیّد مرتضی یزدی

ص:۲۲

شنیده است که روایت کرده است صاحب عوالم... و سند را تا آخر همان طور که نقل کردیم ذکر نموده است و از سخن وی برمی آید که حدیث مذکور در دو جای عوالم آمده است یکی در جلد یازدهم و دیگری در جلد شصت و دوم عوالم پس دقت نما».(۱)

۴- نهج المحجّه فی فضائل الائمّه(ع): آقا بزرگ تهرانی قدّس سرّه درباره این کتاب می نویسند: «کتاب نهج المحجّه فی فضائل الائمّه(ع) و إثبات حقّهم و غصب غیرهم و بدع الغاصبین المبتدعین، از شیخ علی تقی بن احمد احسائی متوفای سال۱۲۴۶ است و در سال ۱۲۳۵ از نوشتن آن فارغ گشت و این کتاب مانند کتاب الصّراط المستقیم بیاضی می باشد. این کتاب را بر مقدمه و ده فصل و یک خاتمه مرتّب نموده است و نسخه آن را نزد عبدالکریم آل حیدر در

۱- شرح إحقاق الحق:۲/۵۵۳-۵۵۸.

ص:۲۳

بغداد دیدم و در سال ۱۳۷۳ در دو جلد و در تبریز به چاپ رسیده است و در آن نقل حدیث کسا را دیدم ولی از متن منتخب طریحی کمتر بود».(۱)

۵- حسین علوی دمشقی حنفی از خانواده های نقیبان شام است و آیه الله مرعشی قدِس سرّه می نویسند: «حدیث کسا را به خطّ او دیده اند».(۲)

چگونگی صاحبان منابع حدیث

۱- الذّریعهإلی تصانیف الشّیعه:۲۴/۴۲۴ رقم ۲۲۲۰.

۲- شرح إحقاق الحق:۲/۵۵۳-۵۵۸.

ص:۲۴

۱ واعظ دیلمی شیخ حسن فرزند علی فرزند محمّد دیلمی قدّس سرّه:

شیخ محمّد بن الحسن حرّ عاملی صاحب دائره المعارف بزرگ فقه مأثور اهل بیت عصمت و طهارت(ع) «تفصیل وسائل الشّیعه» در کتاب «أمل الآمل»:۲/۷۷ رقم۲۱۱، وی را فاضل محدّث صالح معرّفی نموده است. و نیز علامه مجلسی قدّس سرّه از او با تعبیر «شیخ عارف» یاد نموده است و میرزا عبدالله افندی قدّس سرّه درباره او می فرماید: «شیخ عارف عالم، محدّث جلیل، معروف به دیلمی» و همچنین صاحب روضات الجنّات قدّس سرّه می نویسد: «عالم عارف وجیه واعظ معروف که به هر وصف زیبایی موصوف است. شیخی از بزرگان اصحاب ما و محدّثین بوده». سیّد محسن امین عاملی نیز در اعیان الشّیعه درباره او می نویسد:

ص:۲۵

«وی عـالم عـارف، عامل محـدّث، کامل وجیه، از بزرگان اصـحاب ما و فضـلای در فقه و حـدیث و عرفان و تاریـخ غزوات و... می باشـد». و محـدّث قمی قدّس سـرّه در الکنی و الألقاب او را «شـیخ محدّث وجیه نبیه...» توصـیف نموده است. او صاحب کتاب های ارزنده ای چون: «اعلام الدّین فی صفات المؤمنین» و کتاب «ارشاد القلوب» است.

مؤلّف گویـد: از کلاـم مرحوم دیلمی چنین برمی آیـد که ایشـان، کتـاب خود را در سال ۷۵۶ یعنی در اواسـط قرن هشـتم هجری به پایان رسانده است.

۲ شـیخ فخرالـدّین بن محمّـد بن علی بن احمد طریحی نجفی معروف به شـیخ طریحی قدّس سـرّه متوفای سال ۱۰۸۵، یکی دیگر از نقل کنندگان این حدیث شریف می باشد.

شیخ حرّ عاملی قدّس سرّه وی را «فاضل زاهد، پاکدامن

ص:۲۶

عابد، فقیه و شاعر جلیل القدر» توصیف نموده است و کتاب های مجمع البحرین و المقتل و المنتخب در زیارت و خطبه ها و شعر و رسائلی چند را از تألیفات او دانسته و می نویسد که با او هم عصر است.(۱) محدّث قمی قدّس سرّه در سفینه البحار می نویسد: «شیخ طریحی قدّس سرّه همان عالم فاضل محدّث پاکدامن زاهد عابد فقیه، شاعر جلیل، صاحب کتاب مجمع البحرین و المنتخب در مقتل و الفخریّه در فقه و... است... حکایت شده است که وی عابدترینِ اهل زمان خود و پاکدامن ترین بوده است. روایت کند از وی فرزند دانشمندش صفی الدّین و علامه سیّد هاشم توبلی بحرانی و مجلسی و خود از شیخش محمّد فرزند حسام مشرقی از شیخ بهایی...».

۳ شیخ محدّث بزرگ و متتبع آگاه عبدالله بن نورالله

۱- أمل الآمل:۲/۲۱۴ الرقم۶۴۸.

ص:۲۷

بحرانی اصفهانی قدّس سرّه، بزرگ شاگرد علامه بزرگوار مجلسی قدّس سرّه، از خطّ سیّد هاشم بحرانی قدّس سرّه، از استاد بزرگوارش سیّد ماجد بحرانی، از شیخ حسن بن زین الدّین شهید دوم، از استادش مقدّس اردبیلی، از استادش علی بن عبدالعالی کرکی، از شیخ علی بن هلال جزائری، از شیخ احمد بن فهد حلّی، از شیخ علی بن خازن حائری، از شیخ ضیاء الدّین علی بن شهید اول، از پدرش، از فخر المحقّقین، از شیخ و پدرش علامه حلّی، از شیخ خود محقّق حلّی، از استادش ابن نمای حلّی، از استادش محمّد بن ادریس حلّی، از ابن حمزه طوسی صاحب ثاقب المناقب، از شیخ جلیل محمّد بن شهرآشوب، از طبرسی صاحب احتجاج، از استاد بزرگوارش حسن بن محمّد بن حسن طوسی، از پدرش شیخ طائفه حقّه طوسی، از استادش شیخ مفید، ازاستادش ابن قولویه قمی، از استادش شیخ کلینی، از علیّ بن

ص:۲۸

ابراهیم، از پدرش ابراهیم بن هاشم، از احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی، از قاسم بن یحیی بن الجلاء کوفی، از ابوبصیر، از ابان بن تغلب، از جابر بن یزید جعفی، از جابر بن عبدالله انصاری از فاطمه زهرا(س) متن این حدیث را روایت نموده است که تصویری از نسخه خطّی آن ضمیمه می شود.

۴ شیخ علی تقی بن احمد احسائی.

۵ حسین علوی دمشقی حنفی از اشراف شام.

نظم حدیث کسا

ص:۲۹

محقّق و کتاب شناس بزرگ شیعه آیه الله سید حسن صدر قدّس سرّه چنین می نویسد: «سیّد محمّد بن سّید ابراهیم... موسوی جبعی شحوری، جدّ اعلای ما... شاگرد شیخ محمّد باقر سبزواری صاحب الذّخیره بود،... از نوشته های باقی مانده او «قصیده نونیّه بزرگ» وی می باشد که در آن، حدیث کسا را به همان کیفیتی که طریحی در المنتخب آورده، به نظم آورده است... ».(۱)

آقابزرگ تهرانی قدّس سرّه چنین نگاشته است: «ارجوزه در حدیث کسا که نظم علامه سیّد محمّد بن سیّد معزّ الدین محمّد مهدی حسینی قزوینی حلّی متوفای سال ۱۳۳۵قمری است و در پنجاه بیت می باشد و آن را علامه سیّد محمّد

۱- تکمله أمل الآمل:۳۳۵-۳۳۷.

ص:۳۰

صادق آل بحرالعلوم در کتاب مجموع الرّائق آورده است».(۱)

آیه الله مرعشی نجفی قدّس سرّه می نویسند: «و این حدیث شریف را تنی چند از فرزانه های شعر و ادب از اصحاب ما (شیعیان) به نظم درآورده اند. از برترین آنان علامه فقیه ادیب آیه‌الله ابوالمعزّ سیّد محمّد بن علامه سیّد مهدی قزوینی حلّی متوفای سال ۱۳۳۵قمری می باشد. وی در بالاترین جایگاه جلالت و بزرگی بود. او از دوستان پدر علامه ام بود. روانش شاد باد... . دیگر سراینده این حدیث، فاضل معاصر و جلیل استاد شیخ علی خاقانی نجفی می باشد که بابلیّات از سروده های ایشان است و در مجلّه ((البیان)) چاپ شده است، خداوند برکت و جود وی را دوام بخشد و در میان ما چون او را بسیار گرداند... ».(۲)

۱- الذّریعه: ۱/۴۷۰.

۲- شرح احقاق الحق:۲/۵۵۸.

ص:۳۱

آقـابزرگ تهرانی می نویسـد: «... محـدّث مـاهر حـاج شـیخ محمّـدباقر... قائنی بیرجنـدی صافی صاحب کتاب «الکبریت الأحمر فی شرائط اهـل المنبر» در مقتـل به زبان فارسـی است وی حـدیث کسا را به نظم آورده و در سال **۱۳۴۳** قمری به چاپ رسـیده است... ».(۱)

و می نویسد: «طور سـیناء در شـرح حدیث کساء» به فارسـی، از شـیخ معاصر حاج شیخ علی اکبر... نهاوندی متوفا در مشهد خراسان است.(۲)

چند نکته

۱- الذّریعه: ۱۷/۲۶۰.

۲- الذّریعه: ۱۵/۱۸۱.

ص:۳۲

برای شرح حال راویان حدیث، واقع در طریق عوالم، به موسوعه رجالی بزرگ «معجم رجال الحدیث»، تألیف آیهالله خوئی قدّس سرّه مراجعه کنید.

محدّث و دانشمند فقید، سیّد عبدالرّزاق موسوی مقّرم قدّس سرّه می نویسد:

«حدیث کساء»

«سخنان مفسّران، روایت های محدّثان و صاحبان سیره و ارباب معجم ها همه بر اینکه منظور از اهل بیت در سخن خدای متعال: «إِنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً» همان پنج تن اصحاب کسا است، اتّفاق دارند. اصحاب کسا یعنی پیامبر اعظم(ص) و وصیّ آن حضرت، امیرمؤمنان(ع) و دخترش حضرت صدّیقه سیّده زنان دو جهان از اوّلین و آخرین(س) و دو فرزندش که دو

ص:۳۳

آقای اهل بهشت امام حسن(ع) و امام حسین(ع) هستند. و در این مورد از گروهی از صحابه و تابعین، نصّ متواتر وجود دارد. و ابن جریر طبری در تفسیر جامع البیان پانزده طریق و سیوطی در تفسیر الدّرّ المنثور تا بیست طریق ذکر کرده است. و پیامبر(ص) همیشه در فرصت ها و موارد متعدّد آشکارا می فرمود که اصحاب کسا اختصاص به همین پنج تن دارد. حتّی آن حضرت پس از نزول آیه تطهیر هرگاه برای نماز صبح خارج می شدند، بر در خانه فاطمه(س) می ایستادند و با صدای بلند ندا می کردند: «الصّلاه أهل البیت» و آیه تطهیر را قرائت می فرمودند. و شش ماه یا هفت و یا هشت ماه بر این روش بودند و هیچ کس نقل نکرده و نگفته که این توقّف بر در خانه یکی از زنان و نزدیکان آن حضرت(ص) بوده است و این عمل از شخص حکیمی چون رسول خدا(ص) دلالت بر معنای بزرگ و مهمّی دارد که آیه

ص:۳۴

دربردارنده این معنای عظیم است و آن اینکه آیه اختصاص به این پنج تن دارد و هیچ فرد دیگری از مسلمانان را شامل نمی شود. ولی گروه هایی که انکارکننده فضیلت اهل کسا هستند؛ وقتی دیدند نمی توانند این فضیلت را از ریشه انکار کنند، غیر این پنج تن را شریک در اهل بیت قرار داده و به شاهدهایی سست تر از خانه عنکبوت استناد کرده اند و حتّی خودشان در این گفته مانند کسی که در شب تاریک، هیزم جمع می کند، سرگردان و مردّد هستند. و با اینکه رسول خدا(ص) به امّ سلمه اجازه داخل شدن در کسا را نداد و فقط به او فرمود: به راستی تو بر خیری و از زنان پیامبر هستی، انکارکنندگان فضیلت اهل بیت، دیدند نمی توانند مطالب خود را به خورد مردم بدهند، راه دیگری را پیشه ساختند و آن این بود که حدیث را تحریف کردند و از حدیث ویژگی هایی که برای پنج تن آمده بود انداختند و فقط به

ص:۳۵

نزول آیه در شأن ایشان اکتفا نمودند؛ امّا متتبّع کامل شیخ فخرالدّین طریحی نجفی که از نوادر روزگار و از مفاخر علما به شمار می آید، در کتاب «المنتخب» چاپ نجف صفحه۱۸۶، روایت را همان طور که از منبع وحی رسیده، ذکر نموده. علامه و حجّه الاسلام سیّد عدنان آل سیّد شبّر بحرانی و سیّد محمّد فرزند آیه الله سیّد مهدی قزوینی از علامه محقّق طریحی تبعیّت کرده اند. و علامه حجّه الاسلام سیّد محمّد کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی در «أجوبه المسائل المتفرّقه»، همان را اذعان نموده است و (دور از صحّت نمی داند) و علامه سیّد شهاب الدّین تبریزی در رساله کوچک فارسی که آن را «حدیث کسا» نامیده است، سندی را برای این حدیث متذکّر شده و در آن رساله کوچک، حدیث سلسله الذّهب را بیان داشته است.این کتاب در سال ۱۳۵۶ قمری به طبع رسیده است. به کتاب الذّریعه

ص:۳۶

در فهرست مصنّفات شیعه:۶/۳۷۸ مراجعه شود. و محبّ الدّین طبری در ذخائر العقبی:۲۲، و ابن حجر در الصّواعق المحرقه:۸۶ از اختلافی که در روایات تعیین کسا و محلّی که در آن جمع بودند و آنچه امّ سلمه جواب داده و غیر اینها است، استظهار کرده اند که واقعه متعدّد است. ولی من دلیلی برای تعدّد واقعه نمی بینم زیرا در حقیقت واقعه یکی است و آیه کریمه در همان یک مورد نازل شده است. و لیکن راویان خبر این فضیلت را آن چنان که صادر شده، نقل نکرده اند و در این واقعه طبق خواسته هوی و هوس تصرّف نموده اند. پس زنان و خویشان پیغمبر را با پنج تن شریک نموده اند در حالی که دور بودن ایشان از آیه چون دور بودن آسمان و زمین است. و شاهد بر این گفته پیامبر(ص) به امّ سلمه است، آن هنگامی که اجازه خواست تا داخل در کسا شود فرمود: «إنّک علی خیر، إنّک من أزواج النّبیّ»، هم چنان

ص:۳۷

که نمی بینم شک کننده در احادیث اهل بیت که اثبات منزلت های عالی برای آن بزرگواران می نماید فضائلی که پیامبر مرسل و فرشتگان مقرّب به آنها نمی رسند در صحّت این حدیث و آنچه را که برای پنج تن و شیعیانشان اثبات می نماید شک کند و حدیث های متواتر بلکه فوق تواتر بر چنین فضیلتی دلالت دارد. پس در چیزی که نص بر آن قائم است، شک کردن وی دور نخواهد بود».(۱)

بنا بر نقل جامع کتاب «الدّعاء و الزّیاره»، پدر ایشان مرحوم آیهالله میرزا مهدی شیرازی قدّس سرّه در مجموعه ای حدیث کسا را با سند متّصل از حضرت زهرا(س) نقل می کنند و اینجانب مفتخر به مجاز بودن نقل آن به طریق مذکور به واسطه ایشان هستم.

منابع، اسناد و راویان حدیث

۱- وفاه الزّهراء(س):۴۸-۵۰.

ص:۳۸

۱ اوّلین مدرک حدیث کسا، از پیشینه ای بیش از شش قرن، برخوردار است.

۲ تمامی مؤلّفان، مورد وثوق در حدّ عالی و جلیل القدر بوده اند.

۳ حدیث کسا بنا به فرمایش مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی(ره)، در کتاب الغرر و الدّرر چندین سند دارد.

۴ کتاب الغرر را سیّد آقا بزرگ شوشتری و مولی محمّد حسین کرهرودی و آقا بزرگ تهرانی و آیهالله مرعشی و غریفی رحمهم الله دیده اند.

۵ نسخه ای از کتاب الغرر در کتابخانه دانشگاه تهران موجود می باشد.

مقدّمه‌ی دوّم: اضافات و پاسخ به سایر شبهه ها

اشاره

ص:۳۹

پس از چاپ یکم، خوشبختانه کتاب شریف «غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب أبی الأئمّه الأطهار» برای نخستین بار به اهتمام مکتبه العلامه المجلسی قدّس سرّه و با تحقیق اسماعیل الضیغم ضمن سلسله مصادر بحارالأنوار جلد۵، ۱۴۲۷ ه.ق به زیور طبع آراسته شد. در صفحه ۲۹۸ فصل۲۳ این کتاب چنین آمده است: حتّی أنّهم ذکروا لمّا دخلوا تحت الکساء قال سبحانه و تعالی للملائکه: یا ملائکتی و سکّان سماواتی، ما خلقت سماءً مبنیّه، و لا أرض مدحیّه، و لا قمر یسری، و لا فلک یجری، إلّا لأجل الخمسه الذین تحت الکساء. فقال جبرئیل علیه السّلام: یا إلهی و سیّدی و مولای، و من تحت الکساء؟ فقال جلّ جلاله: فاطمه و أبوها و بعلهاو بنوها. فقال: یا ربّ، أ تأذن لی أن أنزل إلیهم و أبشّرهم و أکون معهم؟ فقال: نعم. فنزل، و قال: السلام علیکم، یا حبیبی

ص:۴۰

یامحمّد! أتأذن لی أن أکون معکم فأکون سادسکم؟ فقال: نعم، قد أذنت لک. فقال: یا حبیبی یا محمّد! ربّک یقرئک السلام و یخصّک بالتحیّه و الإکرام و یقول: و عزّتی و جلالی و علویّ و ارتفاعی، ما خلقت سماء مبنیّه، و لا أرضا مدحیّه، و لا شمسا، و لا قمرا، و لا نجما، و لا جنّه، و لا نارا إلّا لأجلکم.

امّا درباره شبهه ها، پیش از هر چیز لازم است بدانیم که زیر سؤال بردن، اشکال وارد کردن و ترویج نظریّات پالایش نشده درباره متونی از این قبیل که شیعیان در طول قرون متمادی، در مجالس شکوه مندی، به خواندن آن ملتزم بوده و هستند جز ایجاد تردید در اذهان عموم و فراهم آوردن مستمسک برای دشمنان تشیّع، نتیجه دیگری ندارد. بنابراین باید پیش از هر اقدامی، مباحثی از این دست، در مجامع علمی برّرسی شده و صحیح ترین و مستندترین نظر علمی در میان مردم مطرح شود. امّا اشکالات و پاسخ ها:

الف: گفته شده است: این سلسه سند به لحاظ تاریخی

ص:۴۱

صحیح نیست، چرا که برخی از راویان با راوی پیش از خود هم عصر نبوده اند. بنابراین نمی توانند از راوی قبل از خود روایتی نقل کنند.

پاسخ: صحّت استناد یک حدیث به معصوم، تنها با داشتن سند صحیح محرز نمی شود. مثلاً مقبوله عمر بن حنظله، هرچند سند آن صحیح، معتبر و متواتر نیست، امّا علما و فقها آن را اخذ به قبول نموده و براساس آن فتوا داده اند. محتوای بسیار ارزشمند حدیث شریف کساء نیز بر صحّت صدور آن از ساحت معصوم دلالت دارد.(۱)

بنابراین با استناد به قاعده تسامح در ادلّه سنن، حتّی اگر متنی مانند حدیث کساء، سند صحیح نداشته باشد، عدم ضعف محتوایی بلکه متن بسیار قوی و ارزشمند آن می تواند

۱- ر.ک: «التّحقیق حول سند حدیث الکساء» و «فاطمه(س) در آیینه کتاب».

ص:۴۲

بر صحّت صدور آن از معصوم دلالت کند. گذشته از اینکه این حدیث شریف، از مجرّبات امامیّه بوده و مورد تأیید مراجع شیعه از جمله علماء و آیات سیّد محمّد کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی در کتاب «اجوبه المسائل المتفرّقه»، سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی و آیه‌الله سیّد محمّدرضا موسوی گلپایگانی و آیه‌الله سیّد محمّد روحانی و... است.(۱)

ب: حدیث کساء روایت شده از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دلالت بر وقوع آن و اجتماع خمسه طیّبه در خانه آن حضرت دارد در حالی که احادیث صحیح در این باره بر وقوع این حادثه در خانه امّ سلمه، همسر رسول الله، دلالت دارند. و حدیث کساء در خانه حضرت زهراء(س) اعتبار ندارد.

پاسخ: بزرگانی از پیروان خلفای سقیفه ملعونه، چون احمد

۱- ر.ك: حدیث کساء و آثار شگفت.

ص:۴۳

بن حجر هیثمی شافعی متعصّب افراطی (ت۹۷۴ه) در کتاب محترقه خود «الصّواعق المحرقه» صفحه:۱۴۴ چاپ قاهره مصر می نویسد: محبّ الدّین طبری (ت۶۹۴ه) اشاره کرده است که واقعه کسائیّه در خانه امّ سلمه و خانه حضرت فاطمه(س) و... تکرار شده است.

می بینیم که این نقل، در قرن هفتم و از طریق پیروان اصحاب سقیفه ملعونه صورت گرفته و در آن به صراحت اعلام شده است که یکی از مواضع اجتماع خمسه طیّبه، خانه حضرت فاطمه(س) است.

از طریق شیعه نیز سیّد جلیل علیّ بن طاووس(ره) در کتاب شریف «الطّرائف فی معرفه مذاهب الطّوائف» مواردی از اختلاف روایات را آورده و می فرماید: این روایات دلالت بر تکرار این واقعه دارد.

ج: حدیث کساء از حیث محتوایی سستی هایی دارد که بر

ص:۴۴

اهل حدیث مخفی نیست.

پاسخ: این بیان، ادّعایی بیش نبوده و مدرکی ندارد.

د: در حدیث کساء مزبور از حضرت زهراء(س) آمده است که خداوند متعال فرمود: یا ملائکتی! إنّی ما خلقت سماءاً... در حالی که ایشان تنها می توانستند از قول پیامبر(ص) این مطلب را نقل کنند. جز پیامبر کسی نمی تواند چیزی را بدون واسطه از خداوند نقل کند.

پاسخ: درباره اینکه کسی جز پیامبراکرم(ص)، نتواند کلام خدا را بشنود، دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد بلکه قرآن کریم به روشنی اعلام می فرماید که وحی بر کسانی که نبی و رسول نبوده اند نیز صورت گرفته است: «و أوحینا إلی أمّ موسی...»(۱) «إذ أوحینا إلی أمّک ما یوحی»(۲) و... .

۱- (۲۸) سوره القصص: آیه۸.

۲- (۲۰) سوره طه(ص): آیه۳۹.

ص:۴۵

نقل قول مستقیم از خداوند و جبرئیل که در حدیث شریف کساء توسّط حضرت صدّیقه طاهره(س) صورت می گیرد، بیان گر مقام محدّثه بودن ایشان است که با توجّه به نصوص بسیار، برای ایشان ثابت بوده و جای انکار ندارد.

ضمن اینکه نقل قول مستقیم از جانب خداوند توسّط حضرت زهرا(س)، اختصاص به حدیث شریف کساء ندارد: محدّث جلیل القدر محمّد بن الحسن الصفّار که از اجلّه شاگردان امام الحسن الزکیّ العسکریّ(ع) است در کتاب شریف خود «بصائر الدّرجات الکبری» که مجموعه ای بسیار ارزشمند از احادیث اهل بیت عصمت و طهارت(ع) است به سند خود از ابوبصیر، از امام صادق(ع) نقل می کند که فرمودند:... وَ ما یُدْریهِمْ ما مُصْحَفُ فاطِمَهَ؟! قالَ: مُصْحَفٌ فِیهِ مِثْلُ قُرْآنِکُمْ هذا ثَلاثَ مَرّاتٍ... هُوَ شَیْ ءٌ أَمْلاهَا اللّهُ وَ أَوْحی إِلَیْها(۱)...

۱- بصائرالدّرجات:۱۵۱ ب۱۴ ح۳ به سندش از ابوبصیر، بحارالأنوار: ۲۶/۳۸ ب۱ ح ۷۰ از بصائر الدّرجات.

ص:۴۶

... آنان چه می دانند مصحف فاطمه چیست؟ فرمود: مصحفی است که مانند این قرآن شما در آن است، سه برابر... همانا آن چیزی است که خداوند بر ایشان املا فرمود و وحی نمود... .

و در همان کتاب شریف به سند خود از محمّد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق(ع) نقل کرده که فرمودند:... وَ خَلَّفَتْ فاطِمَهُ مُصْحَفاً ما هُوَ قُرْآنٌ، وَ لَکِنَّهُ کَلامٌ مِنْ کَلامِ اللَّهِ أُنْزِلَ عَلَیْها، إِمْلاءُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَطُّ عَلِیٍّ(ع) (۱) ... حضرت فاطمه، مصحفی بر جای نهادند که قرآن نیست امّا کلامی از کلام خداوند است که بر ایشان نازل شد، املای رسول الله و دست نوشته حضرت علی(ع) بود.

۱- - بصائرالدّرجات:۱۵۵ ب۱۴ ح۱۴ به سندش از محمّد بن مسلم، بحارالأنوار: ۲۶/۴۱ ب۱ ح۷۳ از بصائرالدّرجات.

ص:۴۷

ه: تعریفی که از جانب خداونـد در حدیث کساء حضـرت زهراء(س)، از پنج تن شده «هُمْ فاطِمَهُ وَ أَبُوها وَ...» نوعی توهین به رسول الله است. و باید اوّل رسول الله و سپس امیرالمؤمنین یا حضرت زهرا و... معرّفی می شدند.

پاسـخ: تقـدّم در تعریف، همیشه بر اشـرف و افضل دلالت نمی کنـد و اگر این اشـکال بر حدیث کساء وارد باشد، می توان بر قرآن کریـم نیز اشـکال وارد کرد، آنجـا کـه در آیـه مبـاهله می فرمایـد: «تَعـالَوْا نَـدْعُ أَبْناءَنـا وَ أَبْنـاءَكُمْ وَ نِسـاءَنـا وَ نِسـاءَكُمْ وَ أَنْفُسَـنا وَ أَنْفُسَكُم»(۱) . بنابراین معرّفی پنج تن از طریق حضرت زهرا(س)، به دلایل دیگری انجام شده است.

بـا توجّه به روایـاتی که چنـد مورد از آنها آورده می شود، فرشـتگان نسبت به حضـرت زهرا(س) آشـنایی بیشتری داشـتند: انس بن مالك غلام رسول الله از ایشان نقل

۱- (۳) سوره آل عمران: آیه۶۲.

ص:۴۸

می کنـد که فرمودنـد:... وَ نُورُ فاطِمَهَ مِنْ نُورِ اللّهِ، وَ فاطِمَهُ أَفْضَلُ مِنَ السَّماوَاتِ وَ الْاَرْضِ،... ثُمَّ إِنَّ اللّهَ خَلَقَ الظُّلْمَهَ بِالْقُدْرَهِ، فَأَرْسَلَها فِی سَحائِبِ الْبَصَرِ، فَقالَتِ الْمَلائِکَهُ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبَّنا مُذْ عَرَفْنا هَذِهِ الْاَشْباحَ ما رَأَیْنا سُوءاً، فَبِحُرْمَتِهِمْ إِلّا کَشَفْتَ ما نَزَلَ بِنا، فَهُنالِکَ خَلَقَ اللّهُ تَعالی قَنادِیلَ الرَّحْمَهِ، وَ عَلَّقَها عَلی سُرادِقِ الْعَرْشِ فَقالَتْ: إِلَهَنا لِمَنْ هذِهِ الْفَضِیلَهُ وَ هذِهِ الْاَنْوارُ؟ فَقالَ: هذا نُورُ أَمَتی فاطِمَهَ الزَّهْراءِ، فَلِذلِکَ سُمِّیَتْ أَمَتِیَ الزَّهْراءَ، لِاَنَّ السَّماواتِ وَ الْاَرَضِینَ بِنُورِها ظَهَرَتْ وَ هِیَ ابْنَهُ نَبِیِّی وَ زَوْجَهُ وَصِیِّی وَ حُجَّتِی عَلی خَلْقی أُشْهِدُکُمْ یا مَلائِکَتِی أَنِّی قَدْ جَعَلْتُ ثَوابَ تَسْبِیحِکُمْ وَ تَقْدِیسِکُمْ، لِهذِهِ الْمَرْأَهِ وَ شِیعَتِها إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ(۱) و نور فاطمه از نور خداست و دخترم فاطمه، از آسمان ها و زمین برتر است... سپس خداوند به قدرت خود تاریکی را آفرید پس فرشتگان گفتند: پروردگار ما منزّه و پاک و مقدّس است. از زمانی که ما این

۱- بحارالأنوار:۲۵/۱۶ ح ۳۰ از کتاب ریاض الجنان.

ص:۴۹

اشباح (نور خمسه طیّبه اصحاب کسا) را شناختیم، هیچ سختی و بدی ندیده ایم. پس به حرمت آنان آنچه را بر ما نازل شده است از ما برطرف نما (تاریکی را ببر). آن هنگام خداوند چراغ های رحمت را در سراپرده عرش آویزان فرمود. فرشتگان گفتند: بارالها! این فضیلت ها و نورها از آنِ چه کسی است؟ فرمود: این نور کنیز من فاطمه زهراست. زهرا نامیده شد زیرا آسمان ها و زمین ها به نور او ظاهر شدند و همانا او، دختر پیامبرم و همسر وصی و حجّت من بر مخلوقاتم می باشد. ای فرشتگانم! شما را گواه می گیرم، به تحقیق ثواب تسبیح و تقدیس شما را تا روز قیامت، برای این زن و شیعیانش قرار دادم... .

این حدیث در جایی دیگر به سند از انس بن مالک نقل شده و در آن آمده است:... پس خداوند به فرشتگان چنین وحی فرمود: هَذا نُورٌ اخْتَرَعْتُهُ مِنْ نُورِ جَلالِی لِاَمَتِی فاطِمَهَ ابْنَهِ حَبِیبِی، وَ زَوْجَهِ وَلِیِّی، وَ أَخِی نَبِیِّی، وَ أَبِی حُجَجِی عَلی

ص:۵۰

عِبادِی(۱)... این نـور، نوری است که آن را از نور جلال و عظمت خود برای کنیز خودم فاطمه، دختر حبیبم و همسر ولیّ و برادر پیامبرم و پدر حجّت هایم بر بندگانم آفریدم... .

و به نقل از سلمان فارسی از رسول الله(ص) با اختلاف اندکی آورده شده و در آن آمده است: فَقالَ اللّهُ: وَ عِزَّتِی وَ جَلالِی، لَاَجْعَلَنَّ ثَوَابَ تَسْبِیحِکُمْ وَ تَقْدِیسِکُمْ إِلَی یَوْمِ الْقِیامَهِ لِمُحِبّی هذِهِ الْمَرْأَهِ وَ أَبِیها وَ بَعْلِها وَ بَنِیها(۲) خداوند فرمود: سوگند به عزّت و شکوهم! همانا ثواب تقدیس و تسبیح شما فرشتگان را تا روز قیامت برای دوستان این زن و پدر و شوهر و پسرانش قرار می دهم.

با توجّه به احادیثی از این دست، درمی یابیم که فرشتگان

۱- بحارالأنوار:۳۷/۸۲ ب ۵۰ ح ۵۱ از تأویل الآیات:۱۴۳ از کتاب مصباح الأنوار.

۲- بحارالأنوار:۴۳/۱۷ ب ۲ ح ۱۶ از ارشادالقلوب:۲/۴۰۳.

ص:۵۱

نسبت به حضرت زهرا(س) شناخت بیشتری داشتند و به همین جهت خداوند حضرت زهرا(س) را برای معرّفی خمسه طیّبه، مرکزیّت بخشیده است.

از طرفی، برای درک حقیقت حضرت فاطمه(س) بایـد به احادیث رسول الله(ص) درباره آن حضـرت و نیز چگونگی رفتار پیامبر نسـبت به ایشان، روی آوریم و با دقّت تمام برای فهم آن بکوشـیم. پیامبر بارها به ایشان فرمود: فِداكِ أَبُوكِ پدرت به قربان تو باد. یا درباره ایشان می فرمود: فِداها أَبُوها پدرش به فدایش باد. و موارد دیگر. در اینجا نیز تقدّم نام حضـرت فاطمه(س) برای بیان مرتبه ای از شرافت و فضیلت آن حضرت است که در احادیث دیگری نیز به آن اشاره شده است:

جناب سیّد حسن میرجهانی(ره) برایم نقل فرمود چنان که در کتاب خود الجنّه العاصمه:۱۴۸ نقل نموده است از کتاب

ص:۵۲

«کشف اللّئالی» تألیف عالم جلیل شیخ صالح بن عبدالوّهاب بن العرندس حلّی رضوان الله علیه که از علمای شیعه در قرن نهم هجری است، به سند متّصل خود از جابر بن عبدالله انصاری از رسول الله(ص) از خداوند تعالی نقل می کند که فرمود: یا أَحْمَدُ! لَوْلاکَ لَما خَلَقْتُ الْأفْلاکَ، وَ لَوْلا عَلِیٌّ لَما خَلَقْتُکَ، وَ لَوْلا فاطِمَهُ لَما خَلَقْتُکُما ای احمد! اگر به سبب تو نبود، افلاک را نمی آفریدم و اگر علی نبود، تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود، شما دو تن را نمی آفریدم. سپس جابر گفت: هذا من الأسرار الّتی أمرنا رسول الله(ص) بکتمانه إلّا عن أهله این، از جمله اسراری بود که رسول الله(ص) به ما دستور دادند آن را جز از اهلش، پنهان داریم.

و: در پایان حدیث کساء به روایت حضرت زهرا(س) سوگند یاد شده است که اگر در جمعی از شیعیان و علاقه مندان اهل بیت(ع) این حدیث خوانده شود و از این واقعه یادی به

ص:۵۳

میان آیـد، مشـکلات آن ها برطرف شده و خداوند خواسـته های آنان را برآورده و مسـتجاب می گرداند. اگر این حدیث از جانب معصوم نقل شده است، چرا عدّه ای با خواندن حدیث کساء، مشکلاتشان برطرف نمی شود؟

پاسـخ: در قرآن کریم می خوانیم «أُدْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ بخوانیـد مرا تـا اجـابت کنم شـما را»(۱) امّـا چنان چه می دانیم بسـیاری از دعاهـای مـا به اجابت نمی رسـد. در واقع نفس دعا کردن، توفیقی الهی است که گاه با مسـتجاب نشـدن دعا و در نتیجه تکرار دعا، شامل حال بنده می شود. از طرفی، دانسـته های انسان، به دیده ها و شنیده های او خلاصه می شود و چه بسا دعاهایی که اجابت آن به صـلاح او نیست امّا او از این امر، آگاهی نـدارد امّا خداونـد با آگاهی از این امر، این خواسـته را با عطایای بیشتر خود در قیامت، اجابت می کند.

۱- (۴۰) سوره غافر: آیه ۶۱.

ص:۵۴

علاوه بر اینکه، علّت تامّه برای استجابت، تنها دعا کردن نیست و باید سایر شرایط نیز فراهم شود. از جمله اینکه موانع استجابت دعا در میان نباشد که در دعای حضرت خضر(ع) به روایت امیرالمؤمنین(ع) که به «دعای کمیل» مشهور است، به آن اشاره شده است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الـذُّنُوبَ الَّتی تَحْبِسُ الدُّعاءَ خدایا برای من گناهانی را مورد بخشش قرار ده که دعا را حبس می کند (از بالا رفتن و استجابت دعا، جلوگیری می کند)».

همچنین در نامه ۳۱ نهج البلاغه که مولا امیرالمؤمنین(ع) برای سبط اکبر امام حسن مجتبی(ع) مرقوم فرمودند، آمده است:... فَلا یُقَنِّطَنَّکَ إِبْطاءُ إِجابَتِهِ، فَإِنَّ الْعَطیَّهَ عَلی قَدْرِ النِّیَّهِ، وَ رُبَّما أُخِّرَتْ عَنْکَ الْإِجَابَهُ لِیَکُونَ ذلِکَ أَعْظَمَ لِاَجْرِ السّائِلِ، وَ أَجْزَلَ لِعَطاءِ الْآمِلِ، وَ رُبَّما سَأَلْتَ الشَّیْ ءَ فَلا تُعْطاهُ (تُؤْتاهُ)، وَ أُوتِیتَ خَیْراً مِنْهُ عاجِلًا أَوْ آجِلًا، أَوْ صُرِفَ

عَنْکَ لِما

ص:۵۵

هُوَ خَیْرٌ لَکَ، فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِیهِ هَلاکُ دِینِکَ لَوْ أُوتِیتَهُ، فَلْتَکُنْ مَسْأَلَتُکَ فِیما یَبْقی لَکَ جَمالُهُ، وَ یُنْفی عَنْکَ وَبالُهُ،... هرگز از به تأخیر افتادن اجابت دعا ناامید نباش، زیرا بخشش الهی به اندازه نیّت است. گاه در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای امیدوار کامل تر شود. گاه درخواست می کنی امّا پاسخ داده نمی شود، زیرا (خداوند) بهتر از آنچه که خواستی، به زودی یا در وقت مشخّص به تو خواهد بخشید. گاهی دعا به اجابت نمی رسد زیرا چه بسا خواسته هایی داری که اگر داده شود، مایه نابودی دین تو خواهد شد. پس درخواست تو در آن چیزی باشد که زیبایی آن برای تو باقی باشد و وبال آن از تو نفی گردد،... .

همچنین، مضمون فقرات پایانی حدیث کساء به روایت حضرت زهرا(س)، در احادیث دیگری نیز آمده است که درباره فضیلت مجالس و اجتماع مؤمنین در ذکر معارف و

ص:۵۶

فضائل اهل بیت عصمت و طهارت(ع) است.

در نتیجه چنان چه بیان شد، متن حدیث شریف کساء به روایت حضرت زهرا(س) با بسیاری از آیات و احادیث هماهنگی کامل داشته و همین، دلالت بر قوّت متن آن دارد.

رمز های نام منابع برای ذکر اختلاف نسخه ها

ص:۵۷

احقاق الحق ق

الغرر و الدرر غ

عوالم العلوم ع

المنتخب خ

وفاه الزهراءالمقرّم م

یادآور می شویم که اختلاف کلمه ها در نسخه ها و منابع در پاورقی و داخل کروشه آورده شده است. همچنین عبارت های اضافه بر متن مشهور با علامت (+) و عبارت هایی که در متن مشهور بوده ولی در برخی نسخه ها نیامده است، بدین صورت(-) نمایش داده شده است.

متن مقابله شده حدیث شریف کسای یمانی

ص:۵۸

بِسَنَدٍ صَحیحٍ عَنْ جابِرِ بْنِ عَبْدِاللهِ الْاَنْصاریِّ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ، عَنْ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ عَلَیْهَا السَّلامُ بِنْتِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قالَ:

[بِسْمِ اللهِ الرَّحْمانِ الرَّحِیمِ](۱)

سَمِعْتُ فاطِمَةَ(۲) اَنَّها قالَتْ: دَخَلَ عَلَیَّ اَبی رَسُولُ اللهِ(۳) فی بَعْضِ الْاَیّامِ، فَقالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَةُ، فَقُلْتُ:(۴) عَلَیْکَ السَّلامُ(۵) ،

۱- «ق».

۲- «ق»: + الزَّهْراءِ عَلَیْهَا السَّلامُ بِنْتِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

۳- «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

۴- «ق»: + وَ.

۵- «ق»: + یا اَبَتاهْ.

ص:۵۹

قالَ(۱) : اِنِّی اَجِدُ(۲) فی بَدَنی ضُعْفاً، فَقُلْتُ لَهُ: اُعِیذُکَ بِاللهِ یا اَبَتاهُ مِنَ الضُّعْفِ، فَقالَ(۳) : یا فاطِمَهُ ایتینی بِالْکِساءِ الْیَمانیِّ، فَغَطّینی بِهِ، فَاَتَیْتُهُ بِالْکِساءِ الْیَمانیِّ، فَغَطَّیْتُهُ بِهِ، وَ صِرْتُ اَنْظُرُ اِلَیْهِ، وَ اِذا وَجْهُهُ یَتَلَاْلَؤُ کَاَنَّهُ الْبَدْرُ فی لَیْلَهِ تَمامِهِ وَ کَمالِهِ.

(۴)فَما کانَتْ اِلّا ساعَهً وَ اِذا بِوَلَدِیَ الْحَسَنِ(۵) قَدْ اَقْبَلَ وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمّاهُ، فَقُلْتُ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا قُرَّهَ عَیْنی وَ ثَمَرَهَ فُؤادی، فَقالَ(۶) : یا اُمّاهُ، اِنّی اَشَمُّ عِنْدَکِ رائِحَهً طَیِّبَهً،

۱- «ق»: فَقالَ.

۲- «ق»: لَاَجِدُ.

۳- «خ»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

۴- «خ»: + قالَتْ فاطِمَهُ عَلَیْهَا السَّلامُ.

۵- «ق»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

۶- «ق» ، «ع» ، «م»: + لی.

ص:۶۰

کَاَنَّها رائِحَهُ جَدّی رَسُولِ اللهِ(۱) ، فَقُلْتُ: نَعَمْ(۲) ، اِنَّ جَدَّکَ(۳) تَحْتَ الْکِساءِ، فَاَقْبَلَ الْحَسَنُ(۴) نَحْوَ الْکِساءِ وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا جَدّاهُ یا رَسُولَ اللهِ(۵) ، اَتَاْذَنُ لی اَنْ اَدْخُلَ مَعَکَ تَحْتَ الْکِساءِ؟ فَقالَ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا وَلَدی وَ یا صاحِبَ حَوْضی قَدْ اَذِنْتُ لَکَ، فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْکِساءِ.

فَما کانَتْ اِلّا ساعَهً، وَ اِذا(۶) بِوَلَدِیَ الْحُسَیْنِ(۷) (۸)قَدْ اَقْبَلَ وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمّاهُ، فَقُلْتُ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا وَلَدی وَ یا قُرَّهَ

۱- «ق» ، «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ.

۲- «ق»: + یا وَلَدی.

۳- «م»: + نائِمٌ.

۴- «ق»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

۵- «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

۶- «ق»: فَاِذا.

۷- «خ»: + وَ إذا بِوَلَدیَ الْحُسَیْنِ، «م»: بِالْحُسَیْنِ الشَّهید.

۸- «ق» ، «ع» ، «خ»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

ص:۶۱

عَیْنی وَ ثَمَرَهَ فُؤادی، فَقالَ لِی: یا اُمّاهُ، اِنّی اَشَمُّ عِنْدَکِ رائِحَهً طَیِّبَهً، کَاَنَّها رائِحَهُ جَدّی رَسُولِ الهِک صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، فَقُلْتُ: نَعَمْ(۱) اِنَّ جَدَّکَ وَ اَخاکَ تَحْتَ الْکِساءِ، فَدَنَی الْحُسَیْنُ(۲) نَحْوَ الْکِساءِ، وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا جَدّاهُ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنِ اخْتارَهُ اللهُ، اَتَاْذَنُ لی اَنْ اَکُونَ مَعَکُما تَحْتَ(۳) الْکِساءِ؟ فَقالَ(۴) : وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا وَلَدی وَ یا شافِعَ اُمَّتی، قَدْ اَذِنْتُ لَکَ. فَدَخَلَ مَعَهُما تَحْتَ الْکِساءِ.

۱- «ق» ، «ع» ، «م»: یا بُنَیَّ.

۲- «ق»: + عَلَیْهِ السَّلامُ، «م»: + مِنْهُ.

۳- «م»: + هٰذَا.

۴- «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، «م»: + لَهُ.

ص:۶۲

فَاَقْبَلَ(۱) عِنْدَ ذٰلِکَ اَبُوالْحَسَنِ عَلِیُّ بْنُ اَبی طالِبٍ(۲) وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکِ(۳) یا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ(۴) ، فَقُلْتُ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا اَبَاالْحَسَنِ وَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ، فَقالَ: یا فاطِمَةُ! اِنّی اَشَمُّ عِنْدَکِ رائِحَةً طَیِّبَةً، کَاَنَّها رائِحَةُ اَخی وَ ابْنِ عَمّی رَسُولِ اللهِ، فَقُلْتُ: نَعَمْ ها هُوَ مَعَ وَلَدَیْکَ تَحْتَ الْکِساءِ، فَاَقْبَلَ(۵) عَلِیٌّ(۶) نَحْوَ الْکِساءِ وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ، اَتَأْذَنُ لی اَنْ اَکُونَ(۷) مَعَکُمْ تَحْتَ

۱- «م»: ثُمَّ اَقْبَلَ.

۲- «ع»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

۳- «ق»: + یا فاطِمَةُ عَلَیْهَا السَّلامُ.

۴- «ق»، «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

۵- «م»: + نَحْوَهُ.

۶- «ع»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

۷- «م»: اَدْخُلَ.

ص:۶۳

الْکِساءِ؟ قالَ لَهُ(۱): وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا اَخی وَ یا وَصِیّی وَ خَلیفَتِی وَ صاحِبَ لِوائی(۲) ، قَدْ اَذِنْتُ لَکَ؛ فَدَخَلَ عَلِیٌّ(۳) تَحْتَ الْکِساءِ.

ثُمَّ اَتَیْتُ نَحْوَ الْکِساءِ وَ قُلْتُ: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبَتاهُ یا رَسُولَ اللهِ(۴) اَتَاْذَنُ لی اَن اَکُونَ مَعَکُمْ تَحْتَ الْکِساءِ؟ قالَ:(۵) وَ عَلَیْکِ السَّلامُ یا بِنْتی وَ یا بِضْعَتی، قَدْ اَذِنْتُ لَکِ، فَدَخَلْتُ(۶) تَحْتَ الْکِساءِ.

۱- «م»: + نَعَمْ.

۲- «ق»: + فِی الْمَحْشَرِ نَعَمْ.

۳- «ع»: + عَلَیْهِ السَّلامُ، م: + مَعَهُمْ .

۴- «ق»، «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

۵- «ق»: + لی، «م»: + نَعَمْ.

۶- «ق»: + مَعَهُمْ.

ص:۶۴

فَلَمَّا اکْتَمَلْنا(۱) جمیعاً تَحْتَ الْکِساءِ، اَخَذَ اَبی رَسُولُ اللهِ بِطَرَفَیِ الْکِساءِ، وَ اَوْمَیءَ بِیَدِهِ الْیُمْنی اِلَی السَّماءِ وَ قالَ: اَللّهُمَّ اِنَّ هؤُلاءِ اَهْلُ بَیْتی وَ خاصَّتی وَحامَّتی لَحْمُهُمْ لَحْمی وَ دَمُهُمْ دَمی، یُؤْلِمُنی ما یُؤْلِمُهُمْ، وَ یَحْزُنُنی ما یَحْزُنُهُمْ، اَنا حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَهُمْ، وَ سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَهُمْ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُمْ، وَ مُحِبٌّ لِمَنْ اَحَبَّهُمْ، اِنَّهُمْ مِنّی وَ اَنا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلَواتِکَ وَ بَرَکاتِکَ وَ رَحْمَتَکَ وَ غُفْرانَکَ وَ رِضْوانَکَ عَلَیَّ وَ عَلَیْهِمْ، وَ اَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُم تَطْهیراً.

فَقالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: یا مَلائِکَتی وَ یا سُکّانَ سَماواتی! اِنّی ما خَلَقْتُ سَماءً مَبْنِیَّةً، وَ لا اَرْضاً مَدْحِیَّةً، وَ لا قَمَراً مُنیراً، وَ لا شَمْساً مُضیئَةً،(۲) وَ لا فَلَکاً یَدُورُ، وَ لا بَحْراً یَجْری، وَ لا فُلْکاً

۱- «ق»: + وَ اجْتَمَعْنا.

۲- «غ»: وَ لا فُلْکاً تَجْری إلَّا لِاَجْلِ الْخَمْسَهِ الَّذینَ تَحْتَ الْکِساءِ.

ص:۶۵

یَسْری(۱) ، اِلاّ فی مَحَبَّهِ هؤُلاءِ الْخَمْسَهِ الَّذینَ هُمْ تَحْتَ الْکِساءِ.

فَقالَ الْاَمینُ جِبْرائیلُ: یا رَبِّ(۲) ! وَ مَنْ تَحْتَ الْکِساءِ؟ فَقالَ(۳) عَزَّوَجَلَّ(۴) : هُمْ اَهْلُ بَیْتِ النُّبُوَّهِ، وَ مَعْدِنُ الرِّسالَهِ(۵)، هُمْ فاطِمَهُ وَ اَبُوها وَ بَعْلُها وَ بَنُوها.

فَقالَ جِبْرائیلُ: یا رَبِّ اَتَاْذَنُ لی(۶) اَنْ اَهْبِطَ اِلَی الْاَرْضِ(۷)، لِاَکُونَ مَعَهُمْ سادِساً؟ فَقالَ اللهُ(۸) : نَعَمْ(۹) قَدْ اَذِنْتُ لَکَ.

۱- «ق» ، «ع»: تَسْری.

۲- «غ»: فَقالَ جَبْرَئیلُ عَلَیْهِ السَّلامُ یا اِلٰهی وَ سَیِّدی وَ مَوْلایَ.

۳- «ق»، «غ»، «م»: + اللهُ.

۴- غ»: جَلَّ جَلالُهُ، «م»: سُبْحانَهُ وَ تَعالٰی.

۵- «ق» ، «ع» ، «م»: + وَ.

۶- «م»: یا رَبِّ.

۷- «غ»: اَنْزِلَ اِلَیْهِمْ وَ اُبَشِّرَهُمْ.

۸- «ق»: + عَزَّوَجَلَّ.

۹- «م»: فَاِذَا النِّداءُ.

ص:۶۶

فَهَبَطَ الْاَمینُ جَبْرائِیلُ وَ قالَ(۱) : اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ(۲) اَلْعَلِیُّ الْاَعْلی یُقْرِئُکَ السَّلامُ، وَ یَخُصُّکَ بِالتَّحِیَّهِ وَ الْاِکْرام، وَ یَقُولُ لَکَ: وَ عِزَّتی وَ جَلالی! اِنِّی ما خَلَقْتُ سَماءً مَبْنِیَّهً، وَ لا اَرْضاً مَدْحِیَّهً، وَ لا قَمَراً مُنیراً(۳) ، وَ لا شَمْساً مُضیئَهً، وَ لا فَلَکاً یَدُورُ، وَ لا بَحْراً یَجْری، وَ لا فُلْکاً یَسْری(۴) ، اِلَّا لِاَجْلِکُمْ وَ مَحَبَّتِکُمْ، وَ قَدْ اَذِنَ لی اَنْ اَدْخُلَ مَعَکُمْ(۵) ، فَهَلْ تَاْذَنُ لی(۶)

۱- «ق»: + لِاَبی.

۲- «ق»، «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، «غ»: اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یاحَبیبی یا مُحَمَّدُ! رَبُّکَ.

۳- «غ»: + وَ لا جَنَّهً وَ لا ناراً.

۴- «ق»، «ع»: تَسْری.

۵- «م»: + تَحْتَ هٰذَا الْکِساءِ.

۶- «م»، «ق»: + اَنْتَ.

ص:۶۷

یا رَسُولَ الِهَ؟ فَقالَ(۱) رَسُولُ اللهِ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا اَمینَ وَحْیِ اللهِ اِنَّهُ نَعَمْ، قَدْ اَذِنْتُ لَکَ، فَدَخَلَ جَبْرائیلُ مَعَنا تَحْتَ الْکِساءِ .(۲)

فَقالَ(۳) لِاَبی: اِنَّ اللهَ(۴) قَدْ اَوْحی اِلَیْکُمْ یَقُولُ: اِنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً (۵).

فَقالَ(۶) عَلِیٌّ لِاَبی: یا رَسُولَ اللهِ! اَخْبِرْنی ما لِجُلُوسِنا هذا تَحْتَ الْکِساءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللهِ؟ فَقالَ النَّبِیُّ(۷) : وَ الَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ

۱- «ق»: + اَبی.

۲- «م»: مَعَهُمْ وَ قالَ لَهُمْ.

۳- «ق»: + جَبْرَئیلُ عَلَیْهِ السَّلامُ.

۴- «م»، «ع»: + عَزَّوَجَلَّ.

۵- (۳۳) سوره الأحزاب: آیه۳۴.

۶- «م»: + اَمیرُالْمُؤْمِنینَ عَلیُّ ابْنُ اَبی طالِبٍ.

۷- «م»، «ق»، «ع»: + صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

ص:۶۸

نَبیّاً، وَ اصْطَفانی بِالرِّسالَهِ نَجِیّاً! ما ذُکِرَ خَبَرُنا هٰذا فی مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اَهْلِ الْاَرْضِ، وَ فیهِ جَمْعٌ مِنْ شیعَتِنا وَ مُحِبّینا اِلّا وَ نَزَلَتْ عَلَیْهِمُ الرَّحْمَهُ، وَ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلائِکَهُ، وَ اسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ اِلیٰ اَنْ یَتَفَرَّقُوا، فَقالَ عَلِیٌّ(۱) : اِذاً وَ اللهِ فُزْنا وَ فازَ(۲) شیعَتُنا وَ رَبِّ الْکَعْبَهِ.

فَقالَ(۳) النَّبِیُّ ثانِیاً(۴) : یا عَلِیُّ ! وَ الَّذی بَعَثَنی بِالْحَقِّ نَبِیّاً، وَ اصْطَفانی بِالرِّسالَهِ نَجِیّاً، ما ذُکِرَ خَبَرُنا هٰذا فی مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اَهْلِ الْاَرْضِ، وَ فیهِ جَمْعٌ مِنْ شیعَتِنا وَ مُحِبّینا، وَ فیهِمْ

۱- «م»: + عَلَیْهِ السَّلامُ.

۲- «م»: فازَتْ.

۳- «ق»، «ع»: اَبی.

۴- «م»: فَقالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

ص:۶۹

مَهْمُومٌ اِلّا وَ فَرَّجَ اللهِ هَمَّهُ، وَ لا مَغْمُومٌ اِلّا وَ كَشَفَ اللهُ غَمَّهُ، وَ لا طالِبُ حاجَهٍ اِلّا وَ قَضَى اللهُ حاجَتَهُ.

فَقالَ عَلِيٌّ :(۱) اذاً وَ اللهِ فُزْنا وَ سُعِدْنا وَ كَذلِكَ شيعَتُنا، فازُوا وَ سُعِدُوا فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَهِ وَ رَبِّ(۲) الْكَعْبَهِ.

۱- «م»: + عَلَيْهِ السَّلامُ.

۲- «ق»، «ع»: بِرَبِّ.

ص:۷۰

ص:۷۱

(۰۰۱)

ص:۷۲

(۰۰۲)

ص:۷۳

(۰۰۳)

ص:۷۴

(۰۰۴)

ص:۷۵

(۰۰۵)

ص:۷۶

(۰۰۶)

ص:۷۷

(۰۰۷)

ص:۷۸

(۰۰۸)

ص:۷۹

(۰۰۹)

ص:۸۰

(۰۰۱۰)

ص:۸۱

(۰۰۱۱)

ص:۸۲

(۰۰۱۲)

ص:۸۳

(۰۰۱۳)

آداب و ثواب

ص:۸۴

ص:۸۵

برای خوانـدن حـدیث شـریف کسـا، طهـارت لاـزم نیست؛ ولی برای نتیجه گیری بهتر، خوب است بـا طهارت ظاهر و باطن، توجّه و حضور قلبی، رو به قبله و با ایمان و اعتقاد به استجابت دعا، خوانده شود.

خواندن حدیث شریف کسا دارای ثواب و اجر معنوی بسیار می باشد که به برخی از آنها اشاره می شود:

فرودآمـدن رحمت الهی، زیرا از مجـالس احیـای امر اهـل بیت(ع) و ذکر فضائـل آنان است، گرد آمـدن فرشـتگان در آن مجلس و درخواست آمرزش فرشـتگان از خداونـد برای خواننـدگان دعا تا هنگامی که دعا تمام شود، برطرف شدن غم و اندوه و پریشانی از خوانندگان این حدیث شریف، برآورده شدن حاجت های خواننده این دعا از جانب خدای تعالی و رستگاری دنیا و آخرت.

توصیه و خاتمه

ص:۸۶

بر مؤمنان و موالیان حضرات معصومین صلوات الله علیهم اجمعین است که به وسیله انس با مجالس توسّل و ذکر فضائل و مناقب ائمّه اطهار(ع) و توسّلات وارد شده از جانب آنها، ارتباط خود را با آن حضرات، هرچه بیشتر نموده و مانند مجالس دعاهای ندبه، توسّل و کمیل و زیارت های عاشوراء، آل یاسین و جامعه کبیره که بحمدالله تعالی در مساجد و حسینیه ها و خانه ها از رونق خوبی برخوردار است، جلسه هایی تشکیل داده و این حدیث شریف را زمزمه نموده و از درگاه خداوند متعال رفع گرفتاری ها، به ویژه درخواست تعجیل فرج اعلی حضرت آیه الله العظمی، ولیّ الله الأعظم و صاحب الأمر، الحجّه بن الحسن المهدیّ عجّل الله تعالی فرجه الشّریف و شفا و بهبودی عاجل بیماران را درخواست نمایند.

امید است مؤمنان و خوانندگان محترم، این کمترین شیفته

ص:۸۷

خاندان عصمت و طهارت(ع) را از دعای خیر فراموش نکنند.

اللّهمّ بحقّ فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها

و السّرّ المستودع فیها، عجّل لولیّک الفرج و العافیه و النّصر.

تمام شد در سحر گاه جمعه۲۳ شعبان المعظّم ۱۴۱۷ ه

و الحمدلله ربّ العالمین.

حیدرحسین التربتی الکربلائی

ص:۸۸

امام حسن زکی عسکری علیه السلام فرمودند:

ما امامان حجت های خدا بر آفریدگان او هستیم وجد ما حضرت فاطمه حجت خدا بر ماست

طیب البیان فی التفسیر القرآن ج۱۲ ص ۲۲۵

کتاب نامه

ص:۸۹

الذّکر الحکیم: کلام الله تبارک و تعالی.

نهج البلاغه: امام امیرالمؤمنین علی(ع) (شهید در سال ۴۰ هجری).

اطیب البیان فی تفسیر القرآن: سیّد عبدالحسین طیّب متوفای قرن ۱۵ هجری، انتشارات اسلام .

اعلام الدّین فی صفات المؤمنین، شیخ حسن بن أبی الحسن واعظ دیلمی، متوفای قرن هشتم هجری، چاپ مؤسّسه آل البیت(ع).

امل الآمل فی علماء جبل عامل، شیخ محمّد بن الحسن حرّ عاملی (ت۱۱۰۴ه.ق)، مکتبه الأندلس بغداد ۱۳۸۵.

ص:۹۰

ارشاد القلوب الی الصواب، شیخ حسن بن ابی الحسن واعظ دیلمی، متوفای قرن هشتم هجری، نشر دار الأسوه.

جنّه العاصمه در تاریخ ولادت و حالات حضرت فاطمه سلام الله علیها: سیّد حسن میرجهانی(ت۱۴۱۳ه.ق)، نشر کتابخانه صدر تهران۱۳۸۹.

غررالاخبار و درر الآثار فی مناقب أبی الأئمّه الأطهار(ع): شیخ حسن بن ابی الحسن واعظ دیلمی، متوفای قرن هشتم هجری، نسخه خطی دانشگاه تهران و چاپ مکتبه العلّامه المجلسی۱۴۲۷.

المنتخب الکبیر فی المراثی و الخطب: شیخ فخرالدّین بن محمّدعلیّ بن احمد طریحی نجفی(ت۱۰۵۸ه.ق) طبع بیروت.

آیهالتطهیر فی أحادیث الفریقین: سیّد علی موحّد ابطحی معاصر، چاپ سیّدالشهداء(ع) قم .

ص:۹۱

آیهالتطهیر فی الخمسه أهل الکساء: سیّد محی الدّین موسوی غریفی، معاصر، چاپ العلمیّه نجف اشرف ۱۳۷۷ هجری.

بصائر الدّرجات الکبری فی فضائل آل محمّد(ع): محدّث جلیل محمّد بن الحسن صفّار (ت۲۹۰ه.ق)، چاپخانه شرکت ۱۳۸۰ هجری.

بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار(ع): علامه ملامحمّدباقر مجلسی (ت۱۱۱۱ه.ق)، چاپ مؤسّسه الوفاء بیروت ۱۴۰۴هجری.

تأویل الآیات الظّاهره فی فضائل العتره الطّاهره(ع): سیّد شرف الدّین حسینی استرآبادی (ت۹۴۰ه.ق)، مؤسّسه امام مهدی عجّل الله فرجه و مدرّسین قم و ارشاد اسلامی.

تکمله أمل الآمل: سیّد حسن صدر (ت۱۳۵۴ه.ق)، کتابخانه سیّد مرعشی ۱۴۰۶قمری .

ص:۹۲

ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی(ع): محب الدین احمد بن عبدالله طبری (ت۶۹۴ ه.ق) مکتبه القدسی القاهره و مؤسّسه دارالکتاب الإسلامی- قم، ۱۴۲۸هجری.

الذّریعه إلی تصانیف الشّیعه: آقا بزرگ تهرانی شیخ محمّد محسن (ت۱۳۸۹ه.ق)، نشر اسماعیلیان و اسلامیّه.

زندگانی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها: حسین عماد زاده اصفهانی، انتشارات اسلام ۱۳۷۵ه.ش.

سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار: محدّث قمّی شیخ عبّاس (ت۱۳۵۹ه.ق)، چاپ دار الأسوه.

شرح احقاق الحق: سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی (ت۱۴۱۱ه.ق)، چاپ کتابخانه سیّد مرعشی ۱۴۰۹هجری.

الصّواعق المحرقه: احمد بن حجر هیثمی شافعی(ت۹۷۴ه.ق).

ص:۹۳

عوالم العلوم: شیخ عبدالله بحرانی متوفای قرن۱۲ هجری، جلد یازدهم چاپ دوم و سوم نشر مؤسّسه امام مهدی عجّل الله فرجه ۱۳۸۲شمسی.

الکنی و الألقاب: محدّث شیخ عبّاس قمّی (ت۱۳۵۹ه.ق) نشر مکتبه الصدر تهران.

مستدرک سفینه البحار: شیخ علی نمازی شاهرودی (ت۱۳۸۴ه.ق) چاپ مؤسّسه بعثت تهران ۱۴۰۹ هجری.

مسند فاطمه الزّهراء(س): سیّد حسین شیخ الإسلامی تویسرکانی، معاصر، نشر دارالقرآن الکریم قم ۱۴۱۲هجری.

مسند فاطمه الزّهراء(س): محمد مهدی جعفری، معاصر، نشر مرضیّه تهران ۱۴۱۴هجری.

مجمع النّورین و ملتقی البحرین فیما وقع من الجور علی والده السبطین: ملا ابو الحسن مرندی (ت۱۳۴۹ه.ق) با واسطه مستدرک سفینه البحار.

ص:۹۴

وفاهالزّهراء(س):سیّدعبدالرّزاق موسوی مقرّم(ت۱۳۹۱ه.ق) شریف رضی ۱۴۱۳هجری.

ص:۹۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹